

وحید محمودی در گفت‌وگو با «شرق»:

سازمان مدیریت باید فراقوه‌ای باشد

هرگاه جریان سیاسی جدیدی قوه‌مجریه را به دست می‌گیرد، افکار و اندیشه‌های خود را تحمیل می‌کند

ادامه از صفحه ۴

عده‌ای از کارشناسان، عدم استقلال این سازمان و برخی دخالت‌ها در تصمیم‌گیری‌های آن را یکی از موانع رسیدن به توسعه و اخلال در روند تصمیم‌سازی این سازمان می‌دانند. به نظر شما عدم استقلال این سازمان به‌گونه‌ای بوده که بتوان از احیای آن چشم‌پوشی کرد؟

بله اگر قرار باشد این نهاد استقلال کافی و متعاقب آن ابزارهای نظارتی و کنترلی لااقل در جهت حفظ جریان اصلی توسعه نداشته باشد، فایده‌ای ندارد که آن را احیا کنیم.

دخالت هر نیرو و جریانی به‌طور کلی مشکل‌آفرین است و همانطور که اشاره کردم پس از تدوین برنامه باید همه به آن احترام بگذارند. هیچ‌چیز بدتر از این نیست که پا روی اهداف و طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی و تدوین‌شده خودمان بگذاریم. مثلا وقتی رویکرد ما توسعه پایدار است، خب این رویکرد به هزینه‌های توسعه اقتصادی خیلی اهمیت می‌دهد به‌خصوص به هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی. بنابراین وقتی برنامه‌ای برای حفظ منابع طبیعی داریم سایر دستگاه‌ها و نهادها هرگونه برنامه‌ای دارند که به نوعی موجب تخریب منابع طبیعی می‌شود باید با ملاحظات این رویکرد که معمولا توسط متولی مربوطه (مثلا سازمان محیط‌زیست) تدوین می‌شود، هماهنگ باشند.

در صورت موافقت شما با احیای سازمان مدیریت، آیا این سازمان باید به شکل قبل احیا یا تغییراتی در آن ایجاد شود؟

صرف احیای دوباره سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی شاید بهترین گزینه نباشد. بنابراین سوالی که اکنون باید مطرح کرد این است که به‌راستی احیای دوباره سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کاری درست و بخردانه است و صرف احیای دوباره سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با همان جایگاه نهادی و با همان ساختار و فرآیند، تکرار اشتباه هفت‌سال پیش نیست؟ به عبارت دیگر سوال اصلی را می‌توان اینگونه بیان کرد که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی احیاشده، در نظام برنامه‌ریزی کشور چه جایگاهی دارد؟ قرار است با چه مکانیسمی به فعالیت دوباره بپردازد؟ آیا وظایف و ماموریت‌های سازمان احیاشده همان وظایف و ماموریت‌های سابق آن خواهد بود یا اینکه در کارکردها و حوزه‌های فعالیت آن بازنگری اساسی صورت می‌گیرد و در راستای هدف اصلی این سازمان که همانا توسعه بود، قرار می‌گیرد؟ به‌راستی وظیفه توسعه‌ای در این تشکیلات به چه شکل دیده شده است؟ نهایتا اینکه سیاستگذاری توسعه در کشور برعهده کیست؟ مجلس یا دولت یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؟

این نکات و سوالات مطروحه نشان می‌دهد در احیای سازمان یا همان نهاد متولی توسعه باید تغییرات زیادی صورت گیرد و ملاحظات جدیدی را در نظر آوریم. با توجه به بحث نهادی و برنامه توسعه‌ای که دربرگیرنده منابع مالی باشد و همچنین تجربیات چند کشور منتخب، می‌توان پیشنهادات زیر را درباره نهاد برنامه‌ریزی توسعه کشور و برنامه مالی آن ارایه کرد: یک سناریو می‌تواند این باشد که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی احیا شود؛ ولی اقداماتی برای دوری از ناکارآمدی پیشین سازمان انجام شود، در سناریوی دیگر می‌توان اقدامی برای احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام نداد و همچون سال‌های بعد از انحلال، وظایف مختلف و پراکنده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را به نهادهای دیگر واگذار کرد.

سناریوی یک: احیای سازمان با تغییرات اساسی

در حالت اول مهم‌ترین اقدام، بازمهندسی در ساختار پیشین سازمان است. این بازمهندسی باید حول دو محور یعنی بازمهندسی در ماموریت و اهداف کلان سازمان و همچنین بازمهندسی در جایگاه سازمان در نظام برنامه‌ریزی باشد. دومین اقدام به‌طور کلی بازاندیشی بنیادین در نگرش و سازماندهی دستگاه‌های متولی توسعه کشور، بالاخص تغییر نگرش در مورد جایگاه و وظایف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی احیاشده است. این تغییر نگرش باید بر اساس دو محور صورت پذیرد:

۱- محدودکردن حوزه فعالیت سازمان به مسایل توسعه‌ای و رهاسازی آن از دخالت در سایر امور

۲- عمق‌بخشیدن به فعالیت‌های توسعه‌ای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

سومین گام نیز تعبیه بازوهای کمکی برای این سازمان است. صندوق توسعه ملی و نهادهای سرمایه‌گذاری به‌عنوان بازوهای مالی این سازمان و همچنین موسسات مشاور و انجمن‌های اقتصادی به‌عنوان مشاوران برنامه‌ریزی می‌توانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی احیاشده را مورد حمایت قرار دهند.

سناریوی دو: تشکیل سازمان مدیریت توسعه ملی

در این سناریو ما درواقع سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را احیا نمی‌کنیم و همچون سال‌های بعد از انحلال (هفت‌سال گذشته) وظایف مختلف و پراکنده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را به نهادهای دیگر واگذار می‌کنیم. در حال حاضر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری همان کارکرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ولی با وظایف محدودتر و توان ضعیف‌تر را دارد. علاوه بر این، وظایف دیگری نیز باید به‌طور مشخص برای توسعه کشور پیش‌بینی شود. این دسته از وظایف یا جزو وظایف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بوده که به آنها توجه کافی نمی‌شده است یا اینکه هنوز برای این سازمان تعریف نشده بوده‌اند.

از این‌رو می‌توان وظایف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دیگر وظایفی را که برای توسعه کشور تعریف می‌شود به نهادهای دیگر واگذار کرد؛ تا از فربه‌شدن سازمان، قبل از احیای آن جلوگیری شود و همچنین هرکدام از وظایف توسط نهادی که متناسب با آن وظیفه است انجام شود.

جمع‌بندی بنده این است که سازمانی سبک و چابک تحت عنوان سازمان «مدیریت توسعه ملی» باید وظیفه اصلی توسعه را برعهده بگیرد. مسوولیت این سازمان، تهیه برنامه توسعه و بودجه توسعه‌ای مرتبط با آن است که با آینده‌نگری و بر مبنای طرح‌هایی نظیر آمایش سرزمین در راستای سند چشم‌انداز و در چارچوب قوانین پنج‌ساله به برنامه‌ریزی توسعه خواهد پرداخت. وظایف زیر از جمله وظایف پیشنهادی این سازمان است:

۱- اتاق فکر توسعه ملی و آینده‌نگری

۲- تعیین و تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند تدوین قوانین پنج‌ساله توسعه با همکاری دیگر نهادهای مرتبط

۳- برنامه‌ریزی هسته‌ای با ماهیت ارشادی

۴- نظارت بر برنامه‌های اجرایی توسعه‌ای

۵- ارایه مشاوره به دولت در زمینه نقشه راه توسعه

از دیدگاه روش‌شناسی نیز بنده به برنامه‌ریزی هسته‌ای کلیدی معتقدم. منظور از برنامه‌ریزی هسته‌ای این است که در بخش‌های گوناگون، هسته‌های اصلی و پیش‌برنده، شناسایی، برای آنها برنامه‌ریزی انجام و منابع لازم در آنها سرمایه‌گذاری شود. ماهیت ارشادی برنامه هم اشاره به این دارد که مرجع برنامه‌ریزی با استفاده از تشویق و ترغیب به اهداف توسعه‌ای دست می‌یابد.

بیشترین انتقادی که به ساختار سازمانی و اداری سازمان مدیریت وارد است، چیست؟

به‌نظر بنده ساختار شلوغ و عریض و طویل این سازمان و پذیرش مسوولیت‌های متنوع، مهم‌ترین مشکل ساختاری سازمان بوده است. از یک طرف وظایفی نظیر برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی، اجرا و ارزیابی در امور اجرایی و عمرانی و از طرف دیگر وظایفی که از سازمان امور اداری و استخدامی به بدنه آن افزوده شده بود، سازمان را فربه و آنچنان درگیر فعالیت‌های پراکنده و بعضا متضادی کرده بود که توان آن را در تمرکز بر برنامه‌های توسعه که ماموریت اصلی این سازمان است، کم کرده بود. به عبارت دیگر این نهاد که به‌عنوان مغز برنامه‌ریزی کشور از آن یاد می‌شد، با وظایف متنوعی که برای آن تعریف شده بود، تغییر ماهیت داده و تاکید بیشتری بر برنامه‌های کوتاه‌مدت عمرانی داشت تا برنامه‌های بلندمدت توسعه‌ای. علاوه بر نارسایی عوامل پیرامونی و پراکندگی وظایف، فرآیندها و سازوکارهای درونی سازمان نیز دارای نقصان بود. این نقصان باعث شده بود که سازمان از یک رویکرد واحد و سازوکار درونی منسجم محروم باشد. به‌عنوان مثال همانطور که اشاره شد افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۱ باعث شد که بودجه نقش محوری را در فعالیت‌های این سازمان داشته باشد و برنامه نقش فرعی پیدا کند. این روند در دهه‌های بعد نیز ادامه یافته، به طوری که عملکرد نه‌چندان موردقبول سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در زمینه برنامه‌ریزی توسعه را در پی داشته است. به این ترتیب فرآیندهای بودجه‌ای دارای اهمیت بیشتری شده و به‌جای آنکه برنامه تعیین‌کننده بودجه باشد، بودجه بر برنامه حاکم شده بود.

بعد از انقلاب کدام دولت‌ها در تبعیت از برنامه‌های تدوین‌شده سازمان مدیریت توانسته‌اند موفق عمل کنند؟

البته همه دولت‌ها به دلایلی که در لابه‌لای همین گفت‌وگو اشاره شده با مشکلات و عدم توفیق‌های جدی مواجه بوده‌اند اما به‌طور کلی می‌توان از دوره دوم آقای خاتمی نام برد که به‌هرحال دولت موفق شده بود در یک دوره بلندمدت مانع رشد و نوسانات شدید ارزی شود و توفیقات بالایی در کاهش حجم فقر و محرومیت در کشور داشته باشد.

شما چقدر با این گفته موافقید که اگر سازمان مدیریت منحل نمی‌شد، اقتصاد هم به وضعیت فعلی درنمی‌آمد؟

خیلی موافق نیستم. مشکلات اقتصاد ایران در حوزه‌های مالی اقتصادی و تجارت بین‌الملل و... دچار مشکلات ساختاری و تودرتوی نهادی است. ما همان موقع که سازمان برنامه داشتیم بعضی اوقات با مشکلات شدید تورمی و ارزی و مانند آن روبه‌رو می‌شدیم که اصلا توجیه نداشت و غیرمنتظره‌بود.

نظام برنامه‌ریزی در سایر کشورها چگونه است؟ آیا آنها نیز در تصمیم‌سازی اقتصادی به یک نهاد مانند سازمان برنامه متکی بوده‌اند یا اینکه چندین سازمان به روند برنامه‌ریزی کمک می‌کنند؟

تجربه برخی کشورهای در حال توسعه نیز همین نکات را تا حدی دربرمی‌گیرد. برای مثال در مالزی برنامه‌ریزی توسعه از دهه ۱۹۵۰، زمانی که اولین برنامه پنج‌ساله توسعه این کشور مهیا می‌شد، به‌عنوان یکی از وظایف دولت تعیین شد و به‌این‌منظور واحد برنامه‌ریزی اقتصادی (Economic Planning Unit: EPU) مالزی در دفتر نخست‌وزیر تشکیل شد. این واحد به‌عنوان دبیرخانه تهیه برنامه‌های توسعه میان‌مدت و بلندمدت، پیگیر برنامه‌ریزی توسعه و نظارت بر آن است و وظایف زیر را برعهده دارد:

- تهیه و تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی
- تهیه برنامه بلندمدت و میان‌مدت
- تهیه و ارزیابی بودجه توسعه و خزانه که مسوول پرداخت سالانه آن است
- نظارت و ارزیابی پروژه‌ها و برنامه‌های اجرایی توسعه
- ارایه مشاوره به دولت در موضوعات روز اقتصادی
- انجام مطالعات و تحقیقات در زمینه اقتصادی و اجتماعی جهت ارایه مشاوره به دولت
- طراحی و هماهنگ‌سازی برنامه‌های خصوصی‌سازی

این واحد دارای سه معاونت برنامه‌ریزی کلان، برنامه‌ریزی بخشی و بخش سیاستگذاری است که به‌همراه بخش‌های پشتیبانی زیرنظر مدیرکل مشغول به فعالیت هستند. یکی از این بخش‌های پشتیبانی، بخش بودجه توسعه‌ای به‌عنوان بازوی مالی این واحد است. از دیگر بخش‌ها می‌توان به دبیرخانه مشاوران اقتصادی معاونت سیاستگذاری به‌عنوان بازوی فکری این واحد اشاره کرد.

در هند دو نهاد تعیین‌کننده و محوری در حوزه اقتصاد و برنامه‌ریزی توسعه هندوستان، کمیسیون برنامه‌ریزی و کمیسیون مالی هستند. کمیسیون برنامه‌ریزی، یک کمیسیون قانونی و نهاد دایمی است که به‌وسیله قانون مرکزی تاسیس شده است و ریاست آن با نخست‌وزیر است. این کمیسیون یک نهاد ملی- مشورتی است برای اینکه شرایط لازم برای پیگیری امور کارشناسی درخصوص تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه ملی را فراهم آورد.

نهاد دوم کمیسیون مالی است. نگاه قانون اساسی به کمیسیون مالی به‌عنوان نهادی کلیدی در ساختار فدرالی هندوستان است. همچنین بر اساس قانون اساسی، این کمیسیون باید نیازهای مالی واحدهای مختلف دولت‌های ایالتی را بازنگری کند. در این چارچوب پیشنهاد کمیسیون مالی برای دولت مرکزی، به‌صورت یک حکم است و توصیه این کمیسیون تاثیر زیادی بر بودجه همه ایالت‌ها دارد.

در کره‌جنوبی برنامه‌ریزی از طریق هیات‌مرکزی برنامه‌ریزی اقتصادی (Board of Planning and Budget: EPB) که در سال ۱۹۶۱ تاسیس شده است، انجام می‌گیرد. این مرکز به‌عنوان یک ابروزارتخانه، مسوول بودجه‌ریزی، ارزیابی، انجام محاسبات آماری و همچنین برنامه‌ریزی است و تحت نظارت معاون نخست‌وزیر اداره می‌شود.

این نهاد، انسجام و ادغام مسوولیت برنامه‌ریزی و تدوین بودجه در هیات برنامه‌ریزی اقتصادی، تضاد منافع بین وزارتخانه‌های صنعتی و برنامه‌ریزی (که به‌طور معمول به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت علاقه دارند) و وزارت دارایی (که به‌طور معمول به ثبات کوتاه‌مدت علاقه‌مندتر است) را حذف کرده است.

در هیات مرکزی برنامه‌ریزی اقتصادی، مسوولیت انجام امور برنامه‌ریزی برعهده اداره برنامه‌ریزی اقتصادی (BEP) است که این اداره به‌همراه هر یک از دفاتر برنامه‌ریزی و مدیریت در وزارتخانه‌ها - به انضمام برخی از کمیته‌های ویژه گروه کاری (متشکل از: مقامات وزارتخانه‌ها، نمایندگان بانک‌های توسعه‌ای، نمایندگان بخش خصوصی و متخصصان) که برنامه‌های بخشی را تنظیم می‌کنند، به تدوین برنامه‌ها می‌پردازند.

در کشور ترکیه از سال ۱۹۶۰ سازمان برنامه‌ریزی ایالتی تاسیس شده است که در سال ۲۰۱۱ وزارتخانه توسعه برای سازماندهی آنها به وجود آمد. وظیفه این وزارتخانه تهیه برنامه‌های درازمدت، میان‌مدت، نظارت بر اجرای برنامه‌ها و رایزنی در مورد سیاستگذاری‌های اقتصادی جاری است. این وزارتخانه برای سازماندهی فعالیت‌های سازمان‌های برنامه‌ریزی ایالتی تشکیل شده است و کار خود را با الهام از رهنمودهای شورایعالی برنامه‌ریزی که ریاست آن را نخست‌وزیر برعهده دارد و اعضای آن وزیران کابینه هستند، دنبال می‌کند. وظایف این وزارتخانه به شرح ذیل است:

- مشاوره به دولت در مشخص‌کردن سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- انجام مطالعات با هدف هدایت بخش دولتی و خصوصی برای دستیابی به رویکردهای جدید در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- آماده‌کردن اسناد سیاستی (شامل طرح‌ها، برنامه‌ها و استراتژی) برای فرآیند توسعه
- افزایش اثربخشی اجرای اسناد سیاستی و استراتژیک، به‌خصوص طرح‌های توسعه‌ای و برنامه‌های سالانه
- مدیریت فرآیند سرمایه‌گذاری دولتی در راستای طرح‌های توسعه‌ای، برنامه‌های سالانه اسناد استراتژیک
- ارایه طرح‌های استفاده موثر و کارا از منابع دولتی اختصاص‌یافته برای سرمایه‌گذاری دولتی
- ایجاد سیاست‌های معطوف به سیاست‌ها و استراتژی‌های متمرکز و محلی راجع به توسعه منطقه‌ای

در خاتمه بنده معتقدم که نهاد متولی برنامه توسعه اگر عریض و طویل و به‌دنبال تدوین یک برنامه جامع باشد توفیق زیادی نخواهد داشت. گمان نمی‌کنم که کشورهای موفق نهادهای عریض و طویل داشته‌اند. معمولا نهادهای کوچک که مسیر و جریان اصلی را ترسیم می‌کنند باید باشند؛ نهادهایی که موقعیت مکانی و زمانی را برای جهش درک و حرکت خود را آغاز می‌کنند.

بنده شخصا به نهادهای کوچک و تیم تخصصی و حرفه‌ای فکر می‌کنم و بر این باورم که تکیه بر برنامه‌ریزی هسته‌ای مفید است. زیرا هسته‌های کلیدی وقتی به حرکت درآیند فعالیت‌های متعدد اقتصادی اعم از تولیدی و خدماتی را به حرکت درمی‌آورند. درست است که ابتدا موج‌های قوی و یک‌طرفه پیش می‌آید اما کم‌کم ارکان و اجزای اقتصاد و جریان منابع با آن هماهنگ می‌شود و تعادل به‌تدریج به دست می‌آید.

یک‌جور برنامه‌ریزی همگام با نظم خودجوش هایکی می‌تواند اتفاق بیفتد. مثل یک ملکه زنبور که در یک کندو می‌گذاریم و فورا در جماعت زنبورها، تلاش، تولید، نظم و امنیت متعاقب آن شکل می‌گیرد.

لازمه این کار تمرکز بر توانمندسازی و قابلیت‌پروری و تکیه بر افزایش ظرفیت جذب در اقتصاد ملی است به‌گونه‌ای که برابری فرصت‌ها همگام با توانمندسازی اجازه بهره‌مندی و مشارکت همه مردم را در اقتصاد ملی فراهم کند. این مهم در قالب استقرار یک پلتفرم «توسعه مردم‌محور» قابل تحقق است.

ادامه از صفحه ۴

کجای کار ایراد داشت؟

از یک‌طرف الزام قانونی برای آن وجود دارد و از طرف دیگر دولت جدید نیز گویی در عمل مشاهده کرده که حرکت بدون برنامه و غیرنیازمند به پاسخگویی آسایش و فراغت بیشتری فراهم می‌کند و بسط ید بیشتری نیز برای مجریان به همراه دارد به همین دلیل است که طی یک‌سال گذشته مکرر از زبان سخنگوی دولت شنیده‌ایم و دیده‌ایم که می‌گوید ظرف یک‌ماهه آینده سازمان برنامه‌ریزی توسعه احیا خواهد شد و هنوز هم در پی آن هستیم که بالاخره این مدت‌زمان یک‌ماهه دیگر کی و کجا فرامی‌رسد؟ در عین حال دولت جدید که در مقایسه با دولت قبلی به حفظ ظواهر و شکل مسایل بسیار اهمیت بیشتری می‌دهد و این مساله را از همان ماه‌های آغازین شروع به کار خود در تقدیم به‌موقع لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ نشان داد، از یک طرف ناگزیر است همچنان حفظ ظاهر کرده و در موعد قانونی سند لایحه برنامه توسعه را فراهم کند و از طرف دیگر در غیاب یک سازمان برنامه‌ریزی کارآمد و به معنای دقیق کلمه احیاشده و در غیاب پیش‌نیازهای نهادی و نرم‌افزاری شکل‌گیری یک برنامه توسعه ثمربخش و در شرایطی که کشور با انبوهی از بحران‌های کوچک و بزرگ و به‌ویژه با دور باطل رکود تورمی روبه‌روست، یک بحث جدید نیز به بحث‌های قبلی اضافه شده است. سخن بر سر آن است که حتی اگر درون دولت صادقانه و همراه با تعهد عملی اصل ضرورت برنامه‌ریزی و اجتناب‌ناپذیری تمسک به آن پذیرفته شود و حتی اگر سازمان مناسبی برای این مساله تدارک دیده شود، یک سوال مقدر و بسیار حیاتی آن است که شکل و شیوه مناسب برنامه‌ریزی در چنین شرایطی چیست؟

در شرایطی که مجری‌ها طی نزدیک به ۱۰ سال خود ناظر رفتارهای خود هم بوده‌اند و در این مسیر ردی از پاسخگویی نیز وجود نداشته است، کشور در کنار دور باطل رکود تورمی با مساله استهلاک بی‌سابقه ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی روبه‌رو شده و این در حالی است که دستیابی به ظرفیت‌های جدید تولیدی همچنان با مساله تحریم روبه‌روست، مساله فقر گسترده و نگران‌کننده کشور به‌ویژه در استان‌های مرزی شرایطی استثنایی پدید آورده و باید حتی یک لحظه را نیز برای حل‌وفصل این مساله هدر ندهیم. کوچ گسترده و بی‌سابقه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در حالی که کشور یکی از بی‌سابقه‌ترین و عمیق‌ترین رکودها را در تاریخ معاصر خود تجربه می‌کند در کنار مساله عقب‌افتادگی فاحش عملکرد نظام ملی نسبت به تعهداتی که در سند چشم‌انداز مکتوب شده و بسیاری مسایل دیگر، این سوال جدی را مطرح می‌کند وقتی هنوز از جنبه نرم‌افزاری مدیریت توسعه‌ملی هنوز تکلیف خود را با مفاهیم بنیادی مانند توسعه و برنامه‌ریزی مشخص نکرده و انجام مطالعات جامع درباره مسایل بنیادی کشور مانند حمل‌ونقل، انرژی، آمایش سرزمین و... به کلی متروک بوده است، بایسته‌های عبور از شرایط کنونی چیست؟ و حدود توانمندی‌های نظام اجرایی کشور برای تن‌دردادن به برنامه و برنامه‌ریزی به چه میزان است؟

در این میان زمزمه مهمی نیز هرروز بیشتر از روز قبل مطرح می‌شود که این‌بار دیگر به هیچ‌وجه نباید سراغ برنامه‌های جامع برویم و هرکس براساس آنچه تجربه شده است و با فرض آنکه واقعا اراده‌ای برای برنامه‌های جامع وجود داشته و برنامه‌های جامع عملی شده‌اند و نتیجه نداده‌اند، سخن از این به میان می‌آورند که لااقل این بار دیگر سراغ برنامه‌ریزی جامع نرویم.

در قبال همه این شرایط پرابهام و سوالات بی‌پاسخ، آن چیزی که با قاطعیت می‌توان اظهار کرد، آن است لااقل دولت محترم آنچه را که عملیاتی‌شدنش در حیطه اختیارات و در توان قوه‌مجریه است را بیش از این معطل نگذارد. آنهایی که درون دولت و با حس دفاع از دولت و کوتاهی‌هایش سخن می‌گویند، حداقل کمک کنند پایه‌های اولیه شکل‌گیری مطالعات جامع فراهم شود. کمک کنند بسترهای هماهنگی میان دستگاه‌های موازی و حذف فعالیت‌های غیرضروری هم از جنبه مطالعاتی و هم از جنبه عملیاتی موضوعیت پیدا کند. همچنین از آنجایی که با هر سطح درکی از مساله توسعه و مساله برنامه‌ریزی در غیاب یک اراده نظام‌وار برای بودجه‌ریزی عملیاتی امکان پیشبرد اهداف توسعه وجود نخواهد داشت، لااقل اینگونه امور با جدیت بیشتری در دستور کار قرار گیرد و مساله از حفظ ظواهر و رعایت شکلی امور فراتر رود بدون تردید با تلاش‌هایی که چه در دستگاه‌های پژوهشی خود دولت و چه در مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص‌مصلحت‌نظام در حال انجام است، در فاصله زمانی امروز تا فراغت‌یافتن دولت از مساله لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ می‌توان حرف‌های مشخص‌تری در این زمینه مطرح کرد ضمن آنکه باید امیدوار بود غفلت تاریخی و مزمن دولت و مجلس از نقش و اهمیت سیاست‌های اقتصادی و تمرکز افراطی آنها به نحوه توزیع رانت، خواه در قالب بررسی برنامه‌ها و خواه در قالب بررسی بودجه‌ها جای خود را به بررسی روشمند و نظام‌وار جهت‌گیری‌های سیاستی دهد. این مساله‌ای است که حتما باید با مشارکت همگان تا قبل از تدوین برنامه‌ششم بسترسازی نهادی شود.

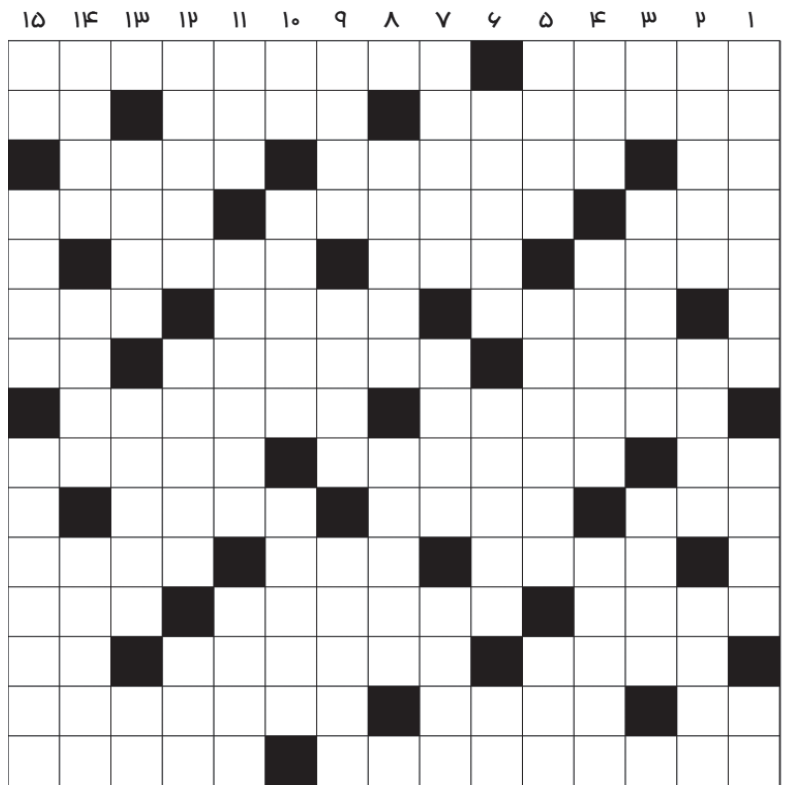
جدول ۲۰۸۲ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - شروع، آغاز - بیوگرافی ۲- بردن حریف قبل از پایان وقت مسابقه در کشتی – خرگوش در گویش عرب‌ها - زائوترسان ۳ - ترک خفیف استخوان - از علوم تحصیلی - هیولای محبوب سینما ۴ - همیشه رنگ ندارد - نفاق- سستی و بی حالی ۵ - شیوه تلفظ - شلیک گلوله - هر داروی افزایش تحرک دستگاه گوارش ۶ - دریاچه‌ای در سوئیس - تازه و جدید - کارگاه عکاسی ۷ - وسایل مورد نیاز – شور و غوغا - ارجمندی ۸ - معشوق - پیل الکتریکی ۹ - تکرار یک حرف - بار دیگر - مهیا ۱۰ – امام‌علی(ع) آن را بهترین میراث می‌داند- پیشوا - تاکنون ۱۱ - لازم و ضروری - بدون خطر- سخن سنج ۱۲ - پاکدامنی - محصل دانشگاه - به یکباره ۱۳ - خجستگی - ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی است – ضمیر اول شخص جمع ۱۴ - کجاست – تخم‌کتان - شهری در استان اصفهان ۱۵ - محور استخوانی بدن مهره‌داران - رفتاری میان دویدن و راه رفتن.

عمودی:

۱ – ازهم‌پاشیدگی - قرار گرفته در جایی - شخص ۲ - بخش خارجی چیزی - بسیار مهربان - جوانمردی ۳ - دمای غیرطبیعی بدن - بزرگداشت - دربان ۴ - زیرکی - دوقلو - مرحبا ۵ - جنگ و جدال - مدرن و پیشرفته – یک‌حرف و سه‌حرف ۶ - زنان عرب - بعدها - گله و شکایت مداوم ۷ - به اماکن متبرکه رفتن - خواهر اسفندیار در شاهنامه - شهری در استان زنجان ۸ – شیرین و گوارا - یاقوت سرخ ۹ - برادر مادر - دید و نظر - چراغ ۱۰ - مخفف اگر - مدفن ناصر خسرو قبادیانی - شیوه عمل ۱۱ - شهری در ایالت تورینگن آلمان - محافظ سیم‌های برق و تلفن – برج کبوتران ۱۲ - فرزند نتیجه - فیلمی ماندگار ساخته داریوش مهرجویی - درخت تسبیح ۱۳ - سرپیچی از دستور - نوعی انگور - داخل ۱۴ - لباس شنا - داشتن احساس مسوولیت - سهل‌انگاری ۱۵ - فشار برای راندن چیزی- هفتمین ماه سریانی - میوه آبدار تابستانی.



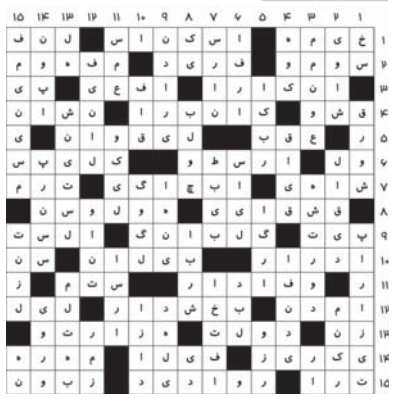
حل سودوکو سخت

۹	۷	۳	۵	۴	۱	۸	۲	۶
۵	۱	۲	۶	۹	۸	۳	۷	۴
۸	۶	۴	۷	۲	۳	۱	۵	۹
۶	۴	۸	۲	۷	۹	۵	۱	۳
۳	۲	۹	۸	۱	۵	۴	۶	۷
۱	۵	۷	۳	۶	۴	۹	۸	۲
۴	۹	۶	۱	۸	۷	۲	۳	۵
۷	۸	۵	۴	۳	۲	۶	۹	۱
۲	۳	۱	۹	۵	۶	۷	۴	۸

حل سودوکو ۱۰۷۸

۹	۴	۳	۱	۲	۵	۸	۶	۷
۷	۲	۶	۸	۴	۳	۵	۱	۹
۸	۵	۱	۷	۶	۹	۴	۳	۲
۶	۷	۵	۲	۳	۸	۹	۴	۱
۳	۸	۲	۴	۹	۱	۶	۷	۵
۱	۹	۴	۵	۷	۶	۲	۸	۳
۴	۶	۹	۳	۸	۷	۱	۲	۵
۵	۳	۸	۶	۱	۲	۷	۹	۴
۲	۱	۷	۹	۵	۴	۳	۶	۸

جدول ۲۰۸۱



سودوکو سخت ۱۰۷۹

		۳		۱			۸	۹
۱	۹	۸						۵
۶					۴		۳	
۸		۹	۵	۲				
		۱		۶	۷			
۷	۲				۸		۴	
				۴				۸
				۵		۲		
				۷		۳	۱	

سودوکو ۱۰۷۹

۱		۷	۸					۲
		۳		۱		۵		۹
	۹	۶	۲	۷				۳
۹			۵		۱		۲	۷
۲				۴	۷			۵
۳	۷	۵		۲	۸		۶	
			۱	۸		۴		
		۴			۶	۲		۱
۶					۳		۹	

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.